

نبود آموزش عامل بروز خشونت

یادداشت اختصاصی

دکتر محسن فرمهینی فر اهانی
متخصص علوم تربیتی



خشونت و اقداماتی که این روزها تیتربتر یک رسانه‌ها قرار گرفته است، علاوه بر واکاو مسائل جامعه شناختی و روانی باید مسائل تربیتی را نیز لحاظ کرد، زیرا که تربیت فرد نشان دهنده موضع او در برابر حوادث آینده است. اگر ریشه تربیت فرد صحیح باشد و آموزش کامل مهارت‌های زندگی را

اینجا حیاط دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی است و مثل همیشه در این ساعت از روز مملو از دانشجویانی است که جای به دست روبه‌روی بوفه دانشکده نشسته‌اند.

با این تفاوت که این بار چهره اغلب‌شان غمگین است و صدای خنده‌ای توی حیاط نمی‌پیچد، برخی حتی اشک می‌ریزند و با تأسف ماجرای روز یکشنبه را برای هم نقل

حال و هوای دانشکده حقوق از حادثه خودکشی دانشجوی جوان

گزارش یک خودکشی

سعیده علیپور

روزنامه نگار

یک روز پس از حادثه (دوشنبه) دانشکده شلوغ تر از روزهای دیگر است. پلاکارد تسلیت ورودی ساختمان دانشکده را مزین کرده و سید کوچکی از گل، همراه با حلوا و خرما در راهروی گذاشته شده و آگهی‌ای که از جلسه رئیس مرکز مشاوره دانشکده با دانشجویان خبر می‌دهد، دانشجویان دانشکده‌های دیگر هم به دانشکده حقوق آمده‌اند تا توضیح رئیس مرکز مشاوره دانشکده شهید بهشتی را در مورد دلایل مرگ هم‌کلاسی‌شان بشنوند.

گمانه‌زنی‌های متعدد در خصوص خودکشی دانشجوی ۲۰ ساله حقوق که اهل یکی از روستاهای بابل بود و سال دوم دوران دانشجویی‌اش را در دانشکده شهید بهشتی می‌گذراند، گفته شده بود، محمد در نامه کوتاهی که در جیبش پیدا شده «بخ» که خودکشی‌اش دلایل کاملا شخصی داشته و ربطی به شخص خاصی ندارد.

اما این توضیحات دانشجویان سر در گم و البته بعضاً معیانی را آرام نکرده بود و با وجود اینکه گزارش پزشکی قانونی هنوز اعلام نشده بود، رئیس مرکز مشاوره اب پاکی را روی دست دانشجویان می‌ریزد و از افسردگی شدید دانشجوی جانباخته خبر می‌دهد و می‌گوید: «قرص‌های ضد افسردگی مصرف می‌کرده و در مدت اخیر به صورت خودخواسته‌ای قرص‌ها را کنار گذاشته و همین عمل منجر به خودکشی این جوان ۲۰ ساله شده است.»

جوانی که در سال دومی که خانواده‌اش را ترک کرده، هنوز دوست صمیمی نداشته و هیچ کدام از هم‌کلاسی‌هایش از انگیزه اصلی‌اش برای این خودکشی مطمئن نیست.

در حالی که گروهی مام‌تازه در حیاط دانشکده حقوق نشسته‌اند، در سالن اجتماعات کوچک دانشکده، دانشجویهای بعضاً معیانی از بی‌توجهی دانشکده به دانشجویان سخن می‌گویند و معتقدند، محمد تنها فرد افسرده این دانشکده نیست و به‌راحتی می‌توان خودکشی‌های دیگری را هم در دانشکده پیش‌بینی کرد.



رئیس مرکز مشاوره اما از تشکیل پرونده سلامت روان دانشجویان در مراکز مشاوره دانشکده خبر می‌دهد و می‌گوید: «دانشجویان‌های ریسک‌نحتم درمان قرار دارند. این دانشجویان نیز در مرکز مشاوره دانشکده شهید بهشتی پرونده داشته‌اند. در این میان خیلی از دانشجویان افسرده به کمک مراکز مشاوره ما تحت‌نظر هستند؛ اما یک مورد خودکشی همه این فعالیت‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.» یکی از دانشجویان حاضر در جلسه می‌گوید: «اینکه از یک بیمار مبتلا به افسردگی شدید توقع داشته باشیم که قرص‌هایش را کنار نگذارد،

پلین بهار

کتابخانه‌ای برای کودکان «ابتر»

جامعه فردا: نام روستا، «ابتر» است؛ اما چند سالی است که تلاش‌های گسترده‌ای برای ابتر نماندن آموزش و پرورش کودکان در آن آغاز شده است. در آخرین اقدام، یکی از جوانان این روستای شهرستان پراشهر، دست‌به‌کار ساخت کتابخانه‌ای ویژه کودکان شده است. رحیمه پرویز پور، مهندس کامپیوتر است، اما منزل شخصی مادر بزرگ خود را تجهیز و بدل به کتابخانه و موزه‌ای روستایی کرده و نام «پلین بهار» بر آن گذاشته است. «پل» در زبان بلوچی به معنی گل است و این کتابخانه می‌تواند بهار گاهی باشد برای بچه‌های روستا که چون گل نیازمند شکوفاشدن استعدادهایشان هستند. کودکان عضو این کتابخانه می‌توانند در محیط باز و سرسبز کتابخانه ورزش کنند، گروهی کتاب بخوانند و نیازمندی‌های مطالعاتی خود را از مخزن این کتابخانه تأمین کنند. خیرین هم می‌توانند با برادر پرویز پور، آقای ابراهیم پرویز پور که از قهرمانان ورزشی ایرانشهر و ایران است با شماره تلفن ۰۹۲۸۹۰۲۹۵۲ تماس بگیرند و اگر می‌خواهند کتاب‌هایی به این کتابخانه بفرستند، هماهنگی‌های لازم را انجام دهند.

مانند گذشته فرزندان را به آن شکلی که می‌خواهند تربیت کنند و تربیت‌های بیشتر به بیرون از خانه منتقل شده است. بحث دیگر تاثیر فضای مجازی است. رواج سایت‌های نامطلوب تاثیر بد و نامطلوبی روی سبک زندگی جوانان گذاشته است. وقتی جوان فیلم نامناسب می‌بیند از آن الگوبرداری می‌کند و فکر می‌کند یک مسئله عادی است و سعی می‌کند مسائل فیلم را در خیابان پیاده کند؛ البته هر فضای مجازی شامل این موضوع نمی‌شود. بلکه استفاده نامطلوب از این فضا مهلک است. از دیگر سوفاصله افراد خوشنود را تنها در آموزش و پرورش بیاموزند، اما آموزش و پرورش باید مهارت‌های زندگی از قبیل کنترل خشم، تصمیم‌گیری درست و روابط بین فردی و رفتار چتر آتمندانه را در کنار موضوع‌های دیگر به دانش‌آموزان آموزش دهد و چنانچه فعالیت خود را در این زمینه گسترده، فراگیر و مستمر انجام دهد، طبیعتاً می‌تواند در کنترل خشونت و بالابردن آستانه

بعد از ازدواج اهمیت دارد و لازم است لحاظ شود، اما منظور آموزش‌های مرتبط با شرایط فرهنگی و مذهبی ماست. وقتی در کنار قوانین ما معضلات اجتماعی لحاظ نمی‌شود چنین خشونت‌هایی رواج پیدا می‌کند که برای حل آن تاوان سختی از جامعه آموزش و پرورش یک محیط اجتماعی است که با سایر محیط‌ها در تعامل است. بنابراین آموزش‌هایی که افراد خارج از این محیط دریافت می‌کنند در نوع رفتارشان تاثیر گذار خواهد بود. لذا اینگونه نیست که افراد خوشنود را تنها در آموزش و پرورش بیاموزند، اما آموزش و پرورش باید مهارت‌های زندگی از قبیل کنترل خشم، تصمیم‌گیری درست و روابط بین فردی و رفتار چتر آتمندانه را در کنار موضوع‌های دیگر به دانش‌آموزان آموزش دهد و چنانچه فعالیت خود را در این زمینه گسترده، فراگیر و مستمر انجام دهد، طبیعتاً می‌تواند در کنترل خشونت و بالابردن آستانه

تحمل کمک‌زبایدی به جامعه کند. دانش‌آموزان به هر حال حداقل ۱۲ سال از عمر خود را در نظام آموزش و پرورش سپری می‌کنند و خانواده‌ها نیز به این واسطه با آموزش و پرورش در ارتباط هستند، اما در عین حال فقط آموزش و پرورش نیست که می‌تواند بر رفتارهای دانش‌آموزان تاثیر گذار باشد بلکه امروز که رسانه‌ها، الگوهای تربیتی خانواده، شرایط اقتصادی و گروه همسالان و تشکلات خارج از گروه مدرسه که دانش‌آموز با آنها سر و کار دارد، نیز می‌تواند در این امر تاثیر گذار باشد. به نظر می‌رسد که در چند سال اخیر به ویژه در یک سال گذشته آموزش و پرورش در بخش پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی که خشونت نیز بخشی از آن به شمار می‌رود، نسبت به سال‌های گذشته بهتر عمل کرده، اما انتظار ما این است که برای بهبود این روند مددکاران اجتماعی مدارس جذب شوند، چرا که حضور مددکاران اجتماعی به تعامل بیشتر می‌انجامد.

گزارش

ساختمان پنج طبقه دانشکده حقوق به حیاط پشתי دانشکده انداخت: آن هم در ساعته که دانشجویان زیادی در حیاط نشسته بودند و نظاره گر مرگ هم‌کلاسی خود بودند. تقریباً برای اغلب شاهدان محرز بود که محمد خودکشی کرده است. پسر تنهایی که دوست صمیمی نداشت، اما هم‌کلاسی‌هایش دوستش داشتند.

می‌کنند. گروهی شاهد ماجرا بوده‌اند و برخی نقل خودکشی دانشجوی سال دوم رشته حقوق را شنیده‌اند و متآثرند. محمد علیجانی گنجی، یکی از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی بود که حوالی ساعت ۱۴:۳۰ روز یکشنبه هفت آبان خود را از پشت بام



یکی دیگر از هم‌کلاسی‌های محمد خبر می‌دهد که سه‌شنبه محمد را به روستای‌شان در بندپی شرقی می‌برند تا در آرامگاه همانجا دفن کنند. او می‌گوید: وضعیت مالی خانواده‌اش فردی وجود داشته باشد، ممکن است آن اتفاقی که نباید، رخ دهد.

محمد ۲۰ ساله دانشجوی نخبه حقوق، یکی از برگزیدگان المپیاد ادبی کشور در سال گذشته هم بود و حال از یک سال تجربه حضور در دانشکده...

بلافاصله پس از وقوع حادثه، پزشک حاضر در درمانگاه دانشکده به همراه آمبولانس و پرستار در صحنه حاضر شدند و چون هنوز مصدوم دارای علائم حیاتی بود، سریعاً با آمبولانس به بیمارستان آیت‌الله طالقانی انتقال یافت. تلاش پزشکان آن بیمارستان برای احیاء نتیجه نداد و در نهایت، مصدوم در بیمارستان آیت‌الله طالقانی فوت کرد.

دانشگاه شهید بهشتی از این حادثه دلخراش اظهار تأسف و تألم می‌کند و به خانواده این دانشجوی و جامعه دانشگاهیان شهید بهشتی، صمیمانه تسلیت می‌گوید.

یکی دیگر از هم‌کلاسی‌های محمد خبر می‌دهد که سه‌شنبه محمد را به روستای‌شان در بندپی شرقی می‌برند تا در آرامگاه همانجا دفن کنند. او می‌گوید: وضعیت مالی خانواده‌اش فردی وجود داشته باشد، ممکن است آن اتفاقی که نباید، رخ دهد.

محمد ۲۰ ساله دانشجوی نخبه حقوق، یکی از برگزیدگان المپیاد ادبی کشور در سال گذشته هم بود و حال از یک سال تجربه حضور در دانشکده... استاد را پرسید و مثل همیشه رفتار کرد. اما بعد معلوم شد رفت و آمدهای طبقه پنجم ساختمان، برای پیدا کردن کلید پشت بام بوده است. دانشجوی دیگری که از المپیاد ادبی دوره دبیرستان محمد را می‌شناخت، خود را مقصر رد دادن این حادثه دانسته و می‌گوید: می‌دانستم افسرده است. حتی چند بار سعی کردم به جمع کانون‌های دانشگاه بکشانمش تا سرش از افکار منفی خالی شود. اما بچه عمیق و باهوشی بود و نمی‌شد مجابش کنیم. البته الان غصه می‌خورم که کاش بیشتر تلاش می‌کردم.

فرتاری برای گروه‌های حساس بیشتر به چشم می‌خورد و وضعیت دانشجویی را که دچار افسردگی است، بدتر می‌کند.

رئیس مرکز مشاوره در پاسخ به این دانشجویان برای کارگاه‌های ارتباط با دانشجویان برای کارمندان دانشگاه سخن گفت که البته این پاسخ چندان دانشجویان را قانع نکرد، چرا که اغلب آنها معتقد بودند که نوع برخورد کادر مدیریت و اداری دانشگاه حتی در حادثه اخیر هم چندان مطلوب نبوده است. به طوری که پس از این حادثه مدیریت سعی داشت تا هر چه سر بعتر دانشجویان وحشترده و بهتر زده را پراکنده کند.

یکی از هم‌کلاسی‌های محمد که در حیاط نشسته و دلش نمی‌خواهد این گفت‌ووشنود مسئولان دانشگاه با دانشجویان را بشنود، می‌گوید: «محمد، پسر عمیقی بود. اهل کتاب خواندن و پاسوادترین ورودی ۹۵ شاید. اما تنها بوده خیلی. ما هم به عنوان دوستانش تلاشمان را نکردیم که مشککش را حل کنیم تا او به این مرحله نرسد.»

راهبرد



۱۰ ۵ ۱۰

آدم‌ها و خاطره‌ها



عباس زندی از تشک کنار رفت

خبر درگذشت عباس زندی، قهرمان اسبق کشتی آزاد جهان را روز گذشته، روابط عمومی فدراسیون کشتی اعلام کرد. درگذشت این پیشکسوت گرانقدر کشتی که سابقه سرمربیگری تیم ملی کشتی آزاد را در کارنامه کاری خود داشت، یاد و خاطره پهلوان سابق کشور را در خاطرها زنده کرد. عباس زندی، در خرداد سال ۱۳۰۹ در محله شاپور تهران به دنیا آمد و در ۱۵ سالگی به باشگاه «هیر» رفت وزیر نظر حسن سعدیان و حاج عبدالحسین فعلی الفبای کشتی را آموخت. زندی از معدود کشتی‌گیران ایرانی است که در سه دوره از بازی‌های المپیک شرکت کرد: ۱۹۴۸ لندن، ۱۹۵۲ هلسینکی و ۱۹۵۶ ملبورن و عجیب اینجاست که در اولین المپیک خود، در حالی روی تشک رفت که فقط ۱۸ سال داشت. زندی اولین کشتی‌گیر ایرانی است که به‌همراه توفیق جهانبخت، نخستین مدال طلای جهان را برای کشتی ایران به دست آورد، سال ۱۹۵۴ توکیو ژاپن. وی سپس ردای مربیگری بر تن کرد و اولین بار در رقابت‌های جهانی ۱۹۶۲ تولیدوی آمریکا تیم تحت هدایت وی توسط امامعلی حبیبی و منصور مهدی‌زاده صاحب دو مدال طلا و توسط محمد خادم و غلامرضا تختی صاحب دو مدال نقره شد و در مجموع با ۲۵ امتیاز سوم شد و البته این مربیگری در زمان ریاست کوتاهمدت بلور فدراسیون کشتی بود. در رقابت‌های ۱۹۶۸ تیم ایران توسط عبدالله موحّد، نابغه کشتی ایران صاحب یک مدال طلا و شمس‌الدین سیدعباسی و ابوطالب طالبی صاحب دو مدال برنز شد و در مجموع تیم ششم شد و این پایان راه زندی در مربیگری کشتی در تیم ملی بود. جایگاه زندی در کشتی ایران به گونه‌ای بود که غلامرضا تختی در وصف او گفته است: موعقی که به باشگاه پولاد رفتم برای تمرین کشتی، زندی قهرمان تیم ملی بود. در حین تمرینات آن قدر از عباس زندی زمین خوردم که پشتم بوی جرم تشک کشتی را گرفت؛ در عوض ساخته شدم و تیم ملی راه یافتم و من برای همیشه از داداش عباس زندی ممنون و سپاسگزارم به این دلیل که من ۲ مدال نقره سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ خود را در وزن ششم با رفتن عباس زندی به وزن هفتم به‌دست آوردم، والا معلوم نبود شاید من هم اولین ورودم به تیم ملی در وزن هفتم نمی‌توانستم عنوانی کسب کنم و این بالاترین محبت زندی در سال‌های اولیه کشتی به من بود. خانواده او، امروز زندی را به سمت سرای ابدی همراهی می‌کنند. قرار است صبح سه‌شنبه، مراسم تشییع پیکر او از روبه‌روی در اصلی ورزشگاه شیرودی آغاز شود.

روز یکشنبه ۷ آبان

دانشجوی سال دوم حقوق از طبقه پنجم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی خودکشی کرد

رئیس مرکز مشاوره

دانشگاه شهید بهشتی می‌گوید:

«دانشجویان‌های ریسک تحت درمان قرار دارند. این دانشجویان نیز در مرکز مشاوره دانشکده شهید بهشتی پرونده داشته‌اند.»

تحلیل روز

تغییر نام؛ تغییر رویکرد

جامعه فردا: دیروز خسرو سلجوقی، عضو هیأت عامل سازمان فناوری در نخستین کنفرانس ملی فرصت‌ها و پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات که در پژوهشگاه فناوری برگزار شد، پیشنه‌های داد تا نام وزارت آموزش و پرورش به وزارت پرورش و مهارت‌افزایی تغییر کند. این پیشنهاد در حالی مطرح می‌شود که سال‌هاست، کارشناسان حوزه آموزش در کشور، شکل و شمایل آموزش در مدارس کشور را ناکارآمد می‌دانند و معتقدند؛ در عصر جدید، مدارس و شیوه آموزشی و تربیتی از واقعیت‌های موجود در جامعه عقب افتاده‌است و این موضوع سبب می‌شود که مهارت‌های لازم در مدرسه به دانش‌آموزان آموخته نشود و خیلی از خانواده‌ها برای پر کردن این خلأ دنبال راه‌های دیگری مثل کلاس‌های کمک آموزشی هستند که اغلب این راه‌ها نیز کارآمد نیستند. گرچه به‌نظر می‌رسد، تغییر نام می‌تواند نشانه‌ای از تغییر رویکرد در سیستم آموزش و پرورش باشد، اما با توجه به واقعیت‌های موجود، شاید بیشتر از تغییر نام باید به دنبال راه‌هایی برای بهبود اقتصاد و این‌را تخانه بود.

اثر انگشت



عکس: گروه اجتماعی جامعه فردا

